

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخن مجله:

## اخلاق اسلامی: ضرورت بازکاوی و بازاندیشی

جويا جهانبخش

رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»<sup>۱</sup>

ضرورت پایبندی به یک نظام اخلاقی در حیات بشری، امروزه نزد اکثر قریب به اتفاق خردورزان مسلم و قریب به بداهت است. این وضوح و تردیدناپذیری، در نظرگاه دینی، شدت و برجستگی بیشتری می یابد. *معارف فرهنگی*

به قولی هر دین و حیانی سه گونه آموزه به پیروانش عرضه می دارد: عقیدتی، اخلاقی، فقهی. حتی اگر این بخش بندی سه گانه را در دل تعالیم ادیان نتوانیم یافت و با کسانی که تقسیم سه گانه ی پیش گفته را در نصوص دینی متعین می دانند همسو نباشیم، باید بپذیریم که تجربه نیز آموزه های دینی تحت یکی از اقسام یاد شده در می آیند. به تعبیر دیگر، یا عقیدتی اند، یا اخلاقی اند و یا فقهی. پس ناروا نخواهد بود

۱. ترجمه: «جز این نیست که برانگیخته شدم تا خوی های نیکو را به تمامت رسانم.»

این حدیث شریف از احادیث مشهور در میان امت اسلامی است. نگر: کشف الخفاء، العجلونی، تصحیح: محمد عبدالعزیز الخالدی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ه.ق، ج ۱، ص ۱۹۱.

اگر نحوه‌ی تعامل خود را با آموزه‌های دینی در هر یک از ساحت‌های مذکور بررسی کنیم و آن‌گاه مجموع این بررسی‌ها را به حساب تعامل خویش با کلیت «دین» بگذاریم.

نگاهی ولو گذرا به اسناد و نصوص ادیان و حیانی معروف - و پیش و بیش از همه: دین مبین اسلام - نشان می‌دهد چه حجم انبوهی از آموزه‌های منصوص و تعالیم ماثور اولیای دین مستقیماً به جنبه‌ی اخلاقی اختصاص و بر آن ارتکاز داشته است. لیک افسوس که اخلاق دینی - اگرچه در «دینی بودن» چیزی کم از فقه و عقاید ندارد - در زندگی دینداران به اندازه‌ی عقاید و فقه جدی گرفته نمی‌شود. کثیری از دینداران ما سعادت اخروی را - که غایت دینداری است - در گرو پایبندی به یک رشته از «عقاید صحیح» و دست یازیدن به مقتضای «احکام فقهی» می‌دانند و در کنار آن پایبندی به آموزه‌های اخلاقی دین را صرفاً چاشنی مجازی به شمار می‌آورند که می‌توان با آن دست‌آورد ایمانی خود را خوش رنگ و بو ترکرد و البته فقدان آن نیز در بنیاد دست‌آورد ایمانی شخص رخنه‌ای وارد نمی‌کند!!

همین تلقی حاشیه‌ای از اخلاق دینی، و مغفول نهادن اعتنایی که در نصوص دینی به اخلاق شده، و نادیده انگاشتن و پیوند ثمربخشی عقاید و احکام با اخلاق است که سبب گردیده بسیاری از سخت‌کوشی‌ها در اکتساب عقاید و اقدام به فرایض و احکام، ثمر منتظر دینداران را به بار نیاورد.

در مقام تمثیل می‌توان گفت: نهال‌های «عقاید» باید در زمینی مناسب نشاندند شوند تا شاداب و با طراوت بمانند و به بار بنشینند. دانه‌های «فرایض» نیز باید در زمینی مهیا افشاندند شوند تا برویند و ثمر بدهند. این زمین مناسب - که عقاید را ماندگار و ثمربخش می‌سازد، و درویدن حاصل عمل به احکام و فرایض را ممکن می‌گرداند - «زمینه‌ی اخلاقی شخصیت مؤمنان» است.

غفلت از جنبه‌ی اخلاقی در دین‌ورزی و دینداری، یعنی مهیا نکردن همین زمین و زمینه؛ و این جا اگر باران طهارت بخش فقه آموزی و کلام‌اندوزی دردها را چاره

نکند و ذهن و دل شخص را سرسبز و شاداب ندارد، بر آن خرده‌ای نیست؛ چه: باران که در لطافتِ طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره‌زار خَسّ<sup>۱</sup> در بیان تمثیلی دیگری، اخلاق به منزله‌ی آبی است که بر اندام‌های خشک «دینداری منحصر به فقه و عقاید» افشاندن شود و خشکی‌ها و استخوان‌وارگی‌ها و خشونت‌های ناگزیر در نظام فقهی و عقایدی را بزداید و حرکت حیات فقهی و عقایدی مؤمنان را میسر و نرم و هموار سازد.

مفاصل زندگانی دینی اگر به روغن اخلاق، نرم و انعطاف‌پذیر نگردند بی‌تردید در اصطکاک اندام‌های استخوانی فقهی و عقیدتی فرسوده می‌شوند و ای بسا این اصطکاک بی‌انعطاف عاقبت به شکست‌ها و شکستگی‌های بی‌شمار در اندام‌های فقهی و عقایدی بینجامد.

هرگاه در رفتار دینداران خشکی و خشونت و سردی و رعونت بالاگیرد، بی‌تردید رخنه‌ای در جنبه‌های اخلاقی زندگی ایشان افتاده و عقاید و فقه را از ثمربخشی مانع شده و به اصطکاک آفرینی افکنده است.

شاید مهم‌ترین مشکل امروزی اخلاق دینی در مرحله‌ی استخراج و عرضه‌ی آموزه‌های آن است که علی‌الظاهر تصدّی آن بر عهده‌ی حوزه‌های علوم دینی است.

برخلاف آموزه‌های فقهی که معمولاً از سوی مفتیان کارآموده و با چارچوب‌هایی شناخته شده عرضه می‌شوند و متصدیان متخصص دارند، و همچنین برخلاف آموزه‌های اعتقادی که لاقلاً به میراث مکتوب فربه و گرانبار متکلمان بزرگ گذشته متکی هستند و در گوشه و کنار مرزبانانی غیور به حراست و پاسداشت‌شان می‌پردازند، آموزه‌های اخلاقی دین متأسفانه در عرصه‌ی واقع تقریباً هیچ متولّی خاص و متصدّی ویژه‌ای ندارند.

نظام شناخت و تبلیغ و ترویج آموزه‌های اخلاقی را نوعی بی‌برنامه‌گی و هرج و



مرج زیان آور در میان گرفته است، و اغلب متخصص ترین و حرفه‌ای ترین مروّجان این آموزه‌ها، همانا، برخی ارباب منابر و اصحاب کرسی‌های عمومی‌اند که این مروّجان نیز غالباً نه دانش کافی برای تصدّی چنین مقام خطیری دارند و نه مواد و منابع کارآمد و گویا برای کسب اهلیت لازم در اختیارشان گذاشته می‌شود.

از بُن، میراث اخلاقی ما - برخلاف میراث کلامی و فقهی مان - سخت التقاطی و نامُنقَح است؛ روزگاری دراز است - تقریباً به درازی عمر فرهنگ اسلامی - که این میراث به محک نقد جاندار آشنا نگردیده و پیکره‌ی آن با پالایش و پیرایش عالمانه چکش نخورده است.

برخلاف فقه و عقاید که از دیرباز تا کنون مجالس پیوسته‌ی درس و بحث و تنقیب و تفتیش به خود دیده‌اند، در گستره‌ی اخلاق، چراغ تحقیق و جستجو و تحلیل کم‌نور و کم‌فروغ بوده است.

متون اخلاقی ما - صرف نظر از رواسب یونانی و خانقاهی و... ی انباشته در گوشه و کنارشان - اغلب برای توده و عوام و به شکلی واعظانه و بدون پشتوانه‌ی محققانه‌ی کافی تنظیم شده‌اند. از دَقّت‌های ناگزیر در «تَفَقّه» - به معنای عام آن - مانند تدقیق در جمع بین روایات و جرح و تعدیل و در میزان نهادن منقولات محفوف به تصوّرات اشخاص و مقرون به تَدَوّقات واعظانه و مجلس پردازانه، در این متون کمتر می‌توان نشانی یافت.

بزرگانی چون علامه ملاّ محسن فیض کاشانی هم اگر چه در حد وسع و توانشان کوشیدند اندکی از محجوب «اخلاق دینی» را مکشوف کنند و فی‌المثل فیض کوشید افزونه‌های سنیانه و صوفیانه‌ی احیاء العلوم را بزداید و حیاتی تازه به «معرفت انسان مسلمان از زندگانی دین ورزانه» بدمد<sup>۱</sup>، کوشش‌هاشان چندان بر ژرفا و پهنای زمان و مکان دامن نگسترده که عطش زمانه را پاسخ گوید.

۱. هنوز که هنوز است - و به رغم غبار تاریخت و... - المحجّة البیضاء فیض علیّه از بهترین و سودبخش‌ترین مامنامه‌های مدرسان به معرفت اخلاق اسلامی است.

اخلاق اسلامی همچنان عرصه‌ی تفتن و تدوَّق این و آن است و غیبت موازین تحقیقی و تدقیقی همچنان راه اربابِ اهو و اطماع را برای تصرّف در آن گشاده می‌دارد.

تلقّی ذوقی از مقولات اخلاقی که هنوز نیز به شدّت در حوزه‌های علوم دینی رواج دارد - و حتّی تشدید نیز شده است و احیاناً «درس اخلاق» را به مجلس «از هر دری سخنی» بدل می‌سازد و زنگ تفریح قرار می‌دهد - سبب گردیده است تلاش‌های عالمانه و عالمان تلاش‌گر در ساحت دانش اخلاق مقامی در خور نیابند. کم‌کوشی و کم‌جوشی در باب دانش اخلاق و کم‌اعتنایی به ضرورت بازکاوی و بازاندیشی این علم دینی خطیر، باعث شده تا ذهنیت و مثال‌ها و متن‌ها و حتّی لسان علم اخلاق ما، بوی نم و نابدهد و پراز غبار تاریخت باشد؛ کثیری از مفاهیم اخلاقی به نحوه‌ای طرح شود که مخاطب آنها را از بُن متعلّق به دنیای گذشته ببیند و با زندگانی مدرن بی‌پیوند بینگارد: یا خود را از قید زیستن در امروز و فرزند زمان خویش بودن برهاند و یا قید اخلاق را بزند!

تطبیق برخی آموزه‌های اخلاقی با واقعیت‌های جاری در زندگی و حیات ملموس، کاری است بس پیچیده؛ و به کف آوردن گوهر آموزه‌های اخلاقی اسلام که بر فراز زمان و مکان و همیشه و همه جا در خور پابندی و به کار بستنی باشد، از میان این انبوه افزوده‌ها و تدوَّق‌ها و تفتن‌های واعظانه و فیلسوفانه و صوفیانه و... حاجت به جدّ و جهد فراوان دارد.

امروزه به دست دادن تصویری روشن از مفاهیم بنیادینی چون «توکّل»، «اراده»، «تواضع»، «قناعت»، «زهد» و مانند اینها در اسلام در غایت صعوبت است. آن اندازه تاویل‌های دور و دراز متشابهات و تفسیر به رأی و رجم غیب حجیم و انبوه گردیده است که محکّمات این بنیادی‌ترین مفاهیم اسلامی و انسانی را برای ما ناپیدا ساخته و در لفافه‌ی ابهام‌ها و تردیدها محجوب گردانیده. برف انباری از افکار متفلسفانه‌ی یونانی و برخی اوهام غلو و تقصیر‌آمیز خانقاهی بر این همه ابهام و ناپیدایی افزوده

است و به قولی بیشتر ظلمت پراکنده تا روشنی...

البته این همه را نباید به نادرست به معنای ناکامی تمدن اسلامی در بُعد اخلاقی گرفت.

حظ عظیم دین خاتم از اخلاقیات و نیز قوت اخلاقیات اسلامی، به رغم جمیع حجاب‌ها و التقاط‌ها، و به رغم بی‌اعتنایی‌ها و سهل‌انگاری‌ها، خود به خود تا کنون امت را از فیض خویش بی‌بهره نگذاشته و از هر روزنی نسیم‌های مبارک روحانی و نفحات فرخنده‌ی رحمانی بر روی مؤمنان دمیده است. این همه شیرینی کام ایمانیان از دینداری و دین‌ورزی - بی‌گفت و گو - معلول حضور همدوش هر سه رکن دیانت - یعنی عقاید و اخلاق و احکام - بوده است. فربهی و برجستگی اخلاقیات اسلامی بر بی‌مهری‌ها و بدفهمی‌ها بارها و بارها غالب آمده است و دو رکن دیگر دیانت را از همراهی خود بی‌بهره نگذاشته، ولی این فیضان خود به خود و خودجوشی مبارک را نمی‌توان بهانه‌ی ادامه‌ی غفلت‌ها و تغافل‌ها ساخت. «همدوشی»ی اخلاق با دیگر ارکان دیانت باید فراگیرتر شود تا به «هماهنگی» برسد.

چشمه‌ی زاینده‌ای که - علی‌رغم جمیع موانع و خس و خاشاک التقاط و انجماد و... - این گونه در فیضان بوده است، تاکی باید به بهره‌وری شایسته نرسد و این گونه در محدوده‌ی جوی‌های گاهگاهی روان شود؟

رسالت بازخوانی و بازکاوی و بازاندیشی در میراث موجود اخلاق اسلامی و شرکت دادن دانش اخلاق در چرخه‌ی پویای مطالعات عمقی و اجتهادی، و گرمی و رونق دادن به ترویج و تبیین آموزه‌های اخلاقی اسلامی، رسالت امروز و فردای حوزه‌های ماست.

فصلنامه‌ی «حوزه اصفهان» مفتخر است که از این پس به طور تخصصی به گستره‌ی بیکران اخلاق - به ویژه اخلاق اسلامی - بپردازد و در راه ادای رسالتی که از آن سخن رفت گامی بردارد؛ و من الله التوفیق.